



تحلیل و بررسی پارادوکس در زبان فارسی با محوریت اشعار سید حسن حسینی

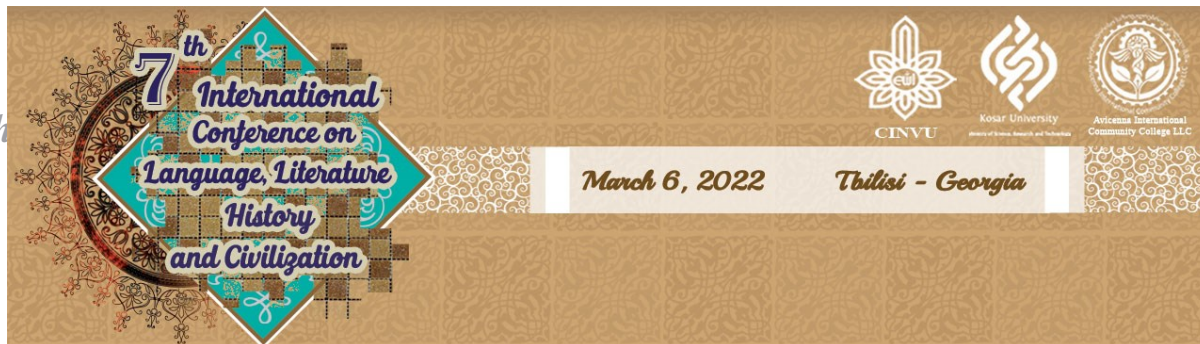
فریده دهقان^۱

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات پایداری دانشگاه شاهد تهران

چکیده

پارادوکس یا متناقض نما در واقع آوردن دو واژه یا دو معنی که به ظاهر متناقض و متضاد هستند. پارادوکس یا متناقض نما یکی از زیباترین و جذاب ترین آرایه های ادبی است که شاعر از این شگرد برای برجسته سازی و تأثیر بیشتر کلامش بر روی مخاطب سود می جوید. بیشترین کاربرد متناقض نما که به آن پارادوکس هم می گویند در اشعار شاعران سبک هندی و به خصوص اشعار صائب ویدل دهلوی است. این آرایه از مباحث زیبایی شناسی است که هرچند ساده به نظر می رسد اما ساختنش نیازمند توانایی و تسلط بسیار است و شاعران بسیاری تلاش کرده اند که دست به خلق این آرایه بزنند ولی متأسفانه تعداد کمی از آنها موفق بوده اند. تشخیص متناقض نما و تضاد ساده به نظر می رسد اما به علت نبود تعریف دقیق و مرز مشخص میان این دو در اکثر موارد اشتباه تشخیص داده می شوند. در این مقاله سعی شده است ضمن بیان و توضیح آرایه ی متناقض نما به بررسی و تحلیل آن در اشعار سید حسن حسینی نیز پردازیم.

واژه کلیدی: متناقض نما، پارادوکس، زبان فارسی، سید حسن حسینی، شعر



مقدمه

در کتاب های بلاغی برای متناقض نما، تعریف های مختلفی ذکر شده است. این واژه از واژه ای لاتینی گرفته شده است. متناقض نمایی یا پارادوکس (paradox) برگرفته از (paradoxum) در لاتین و مرکب از (para) به معنی مقابل و متناقض و (dox) به معنی نظر و عقیده است. (چناری عبدالامیر، ۱۳۷۷: ۱۳). متناقض نما را انگاره ای می دانند که از عناصر ناهمخوان تشکیل شده است، که پیوند این عناصر ناهمخوان به مدد نیروی خیال امکان پذیر است و اینکه گاهی شطح یا غیر معقول دانسته شده است، بیان اوج خیال انگیزی آن است. (فضیلت محمود، ۱۳۸۴: ۵۹). پارادوکس تصویری است که دو روی ترکیب آن به لحاظ مفهوم، یکدیگر را نقض می کنند. یعنی عباراتی بیاورند که به لحاظ مفهومی مغایر و منافی هم به شمار می آیند، اما در یک جا به هم می رسند. از نظر ظاهر ضدیت دارند اما از نظر واقع و نفس الامر وحدت، وحدتی ناشی از مبانی عرفانی و اعتقادی، و بهره ور از تعبیر تشبیهی و کنایی. (فشارکی محمد، ۱۳۸۷: ۹۴). در حقیقت فیزیکی و علمی هیچ گاه فقر و سلطنت باهم جور در نمی آیند، اما از دید عرفانی و اعتقادی عارف شاعر، فقر عین سلطانی است. فرقی با تضاد و مطابقه این است که در تضاد و مطابقه، تأویل و تفسیر و بعد عرفانی و فلسفی دیده نمی شود و ظاهر و باطن همان است. (همان: ۹۵). هدف در این پژوهش بررسی و تحلیل آرایه پارادوکس در زبان فارسی با محوریت اشعار سید حسن حسینی است. روش به کار رفته در این پژوهش نیز روش کتابخانه ای است. پارادوکس به کار رفته در اشعار سید حسن حسینی بیشتر از کدام نوع است؟

تعریف

مکاشفات عرفانی و تجربه های ژرف شاعرانه، قلمرو رویش محالات عقلی و تناقض های روحی است. خیال گوینده در حالت جذبه تا عالی ترین منطقه ی روحی اوج می گیرد و به نقطه ی علیای روح می رسد، نقطه ی علیا مرحله ای از ادراک است که در آن تضادها به وحدت می رسند و سپید و سیاه یکی می شود، آنجا جهان بزرگ و بی مرز و وحدت و دنیای قسمت ناپذیر بی شکل و رنگ است که میان عناصر و ابعاد و صورت ها از میان بر می خیزد و به قول مولانا ترکیبش از اضداد نیست. (فتوحی محمود، ۱۳۸۵: ۳۲۶).

حقایق آن جهان در زبان عقل و منطق نمی گنجد، چنان تجربه هایی وقتی به جهان ابعاد و صورت های متضاد و متکثر منتقل شود به ناگزیر زبانی پر تناقض به وجود می آورد و ساخت های منطقی زبان را درهم می ریزد. برای دانشمند منطقی، اجتماع دو نقیض محال است اما شاعر پارادوکس، امور نقیض و ناساز را آشتی می دهد و به آفرینش امر محال که زیباترین و شگفت آورترین جلوه های خیال است نایل می شود. (همان: ۳۲۷).

کلینت بروکس، منتقد انگلیسی توجه شایانی به پارادوکس در زبان شعر مبذول داشته است. او پارادوکس را زبان روح و اساس شعر شمرده و در باب پارادوکس های شاعران انگلیسی مانند ویلیام، جان دان و دیگران به تفصیل سخن گفته است. (همان). پارادوکس زبان سفسطه و مغالطه و طنز است. زبانی است دشوار و شدید و سخت تکان دهنده و در عین حال شوخگن. پیشداوری ما درباره ی زبان عادی و عادات زبانی و می داردمان تا پارادوکس را بیشتر امری عقلانی و هوشیارانه بدانیم تا عاطفی، و آن را تعبیری برهانی بدانیم نه غیر استدلالی... پارادوکس زبان روح و زبان شعر است. (همان)



. با توجه به آنچه گفته آمد پارادوکس شاعرانه عبارت است از بیانی بظاهر متناقض یا مهمل اما حامل حقیقتی که از راه تأویل می توان به آن دست یافت. به دیگر سخن، پارادوکس در ادبیات، بیانی است که حقیقت دارد اما حقیقی به نظر نمی رسد. (همان). پارادوکس در زبان شعر عمدتاً در دو ساخت نحوی شکل می گیرد: یکی در قالب جمله که اسناد اجزا جمله به همدیگر (مسند و مسندالیه، فعل و فاعل، مفعول، قید و...) عقلاً محال می نماید: بیا که یاد تو آرامشی است توفانی. (همان: ۳۲۸).

دیگری در قالب ترکیب های وصفی یا اضافی (موصوف+صفت یا مضاف+مضاف الیه) که به آن ترکیب متناقض نما می گویند. ترکیب متناقض نما شیوه ای از بیان (تضاد بلاغی) که از رهگذر ترکیب دو واژه ی متضاد و ناساز به قصد تأکید یا تأثیر بیشتر شکل می گیرد؛ مانند ظلمت قابل رویت، آهسته بشتاب، نفرت عاشقانه. ترکیب متناقض نما یک آرایه ی بلاغی است که زیر مجموعه ی تعبیرهای متناقض نما به شمار می رود. رایج ترین شکل تصویر متناقض نما، از ترکیب اسم+صفت یا اسم+اسم ساخته می شود: بیخ داغ. (همان). شاعران فارسی زبان بویژه در ادبیات عرفانی و شعر جدید غنی ترین جلوه های پارادوکسی زبان را به کار گرفته اند. زبان آنها در سایه ی تعبیرهای متناقض نما از تازگی و تأثیر مدام برخوردار شده است. (همان: ۳۲۹).

زیبایی شناسی تصویر پارادوکسی:

تصویر پارادوکسی، تازه و غریب و خلاف عادت است. پارادوکس از طریق عادت شکنی و مخالفت با منطق، اعجاب ذهن را بر می انگیزد؛ مانند جرقه چشم را می زند. دو طرف تناقض در تصویر پارادوکسی مانند دو تیغه ی قیچی اند که ذهن معتاد به امور عادی را می گزند. (همان).

شاید بتوان برای زیبایی پارادوکس این دلایل را اقامه کرد:

۱- شگفت انگیز است، و بیش از هر صناعات ادبی دیگر غریب و شگفت است؛ زیرا با ترکیب دو امر متناقض وحدتی محال را در عالم خیال می آفریند. تصویر امر محال، بدیع و شگفت است. (همان: ۳۳۰).

۲- سرشار از ابهام هنری و درنگ آفرین است و جریان خودکار ادراک را در هم می ریزد. عقل از آن می گریزد ولی ضمیر در آن می آویزد. عقل گرچه آن را درک نمی کند اما نمی تواند از آن بگذرد، ابهامی دارد که ذهن را به بازی می گیرد و نوعی حیرت شیرین ایجاد می کند.

۳- دو بعدی است، هم محال است هم ممکن، به ظاهر محال می نماید ولی در باطن سرشار از مفهومی ژرف و تجربه ای تازه و بکر است.

۴- ایجاز هنری بسیار نیرومندی دارد.

۵- تمرین آزادی بی سابقه ای است در زبان ملال انگیز روزمره.

۶- با ایجاد تکانه های ذهنی، از یک سو لذتی زیبایی شناختی نصیب روح می کند و از سوی دیگر لذت تأویل و کشف مفهوم در آن نیز نصیب عقل می شود. سخن پارادوکسی جز از راه تأویل قابل درک نیست و تنها با تأویل می توان آن را به ساحت عقل و به سطح زبان کشاند.



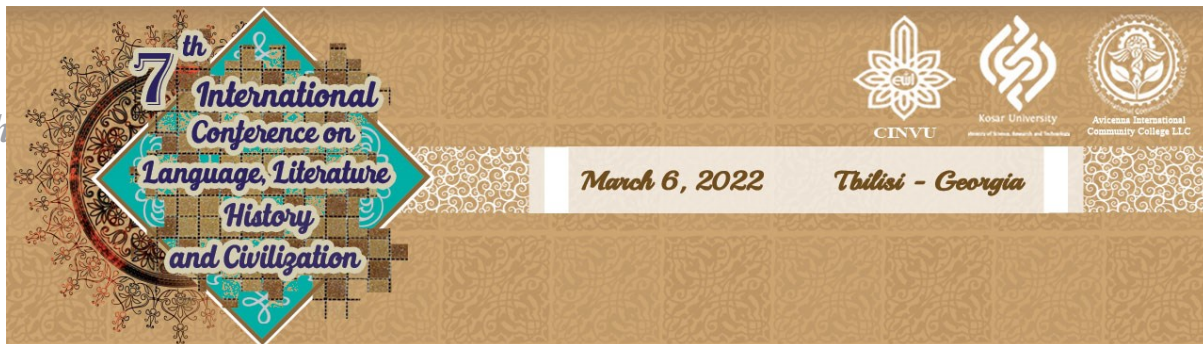
اجزا و عناصر سخن پارادوکسی پیوندی غیر منطقی دارد، کشف این پیوند پنهان مستلزم نوعی باطن نگری و تأویل در ذات اشیا است. (همان).

پیشینه ی پژوهش:

در مقاله متناقض نمایی در شعر فروغ فرخزاد از فاطمه مدرسی والناز ملکی در سال ۱۳۸۷ فروغ از متناقض نمایی برای برجسته سازی و ایجاد ابهام هنری که جلب توجه مخاطب را در پی دارد استفاده ی زیادی می کند. فروغ این شگرد شعری را برای اهدافی همچون معنا گریزی، ایجاد بار عاطفی، بیان طنز، ریشخند و... به کار می گیرد و متناقض نمایی در شعر فروغ در دو بافت زبانی و موقعیت مورد بررسی قرار گرفته است. در مقاله بررسی انواع پارادوکس ترکیبی و معنایی در غزل منزوی از دکتر ابراهیم رحیمی زنگنه و آرزیتا نجفی در سال ۱۳۹۲ سعی شده است عوامل ظهور این شگرد هنری را به صورت پارادوکس ترکیبی و معنایی در غزل منزوی مورد بحث قرار گیرد. در مقاله پارادوکس یا متناقض نما در ادبیات فارسی از محمدرضا بختیاری در سال ۱۳۹۴ در شعرهای موج نو و موج های شعر نو روزگار ما تناقض های زبانی بسیار مورد توجه شاعران است و بسیار آگاهانه با تناقض بازی در سطح زبان می کوشند زبانی تازه بیافرینند این تناقض های زبانی، از آن رو که فاقد عمق تجربه ی روحی و شور عاطفی است فقط تکانه ی ذهنی ایجاد می کند و نه تکانه ی روحی و به دنبال آن است تا تضاد و تناقض را آشکار سازد و اهمیت این آرایه را در شعر شاعران ایرانی نشان دهد. در مقاله پارادوکس محتوایی در شعر فارسی از احمد گلی و سردار بافکر عجب شیر بیشتر تناقض ها برای زیبایی آفرینی گفته نشده، بلکه هدف سخنور در آن، بیان و ارائه واقعیت هاست، این واقعیت ها در نگاه نخست شگفت انگیز و غیر منطقی به نظر می رسد اما در حوزه سنت های ادبی چنین سخنانی دارای توجیحات دل انگیزی هستند.

پارادوکس در زبان فارسی:

در ادبیات فارسی از این نوع سخنان هم در اقوال شطح آمیز صوفیان و هم در اشعار شورانگیز شاعران بسیار است. قدیمی ترین نمونه های زیبای شعر پارادوکسی را در آثار سنایی می بینیم. پس از سنایی در شعر عطار، مولوی و حافظ و در سبک هندی در شعر بیدل دهلوی زبان پارادوکسی در اوج زیبایی و قدرت نمایان می شود. تصویر پارادوکسی، حامل تجربه ای شخصی و شهودی است و مانند نماد و اسطوره، حکایت از کشف حقیقتی ناشناخته دارد. (همان: ۳۳۱). شاعران طبیعت گرای سبک خراسانی از تصویر پارادوکسی کمتر بهره گرفته اند؛ زیرا در این سبک، رشته ی پیوند شاعر با قوانین طبیعت و ادراکات طبیعی سخت محکم است. در سبک خراسانی شاعر در طبیعت است و از این رو عقل و حواس ظاهری در آفرینش شعری آنها قویا حضور دارد. اما در شعر متافیزیکی عرفانی و بیان عوالم رویا و شهود، پارادوکس اساس شعر است؛ چرا که تجسم جهان بی رنگ و شکل است. پارادوکس در زبان عرفان و بویژه در شطحیات صوفیان جلوه ی خاصی دارد. پیچیده ترین تعابیر پارادوکس شعر فارسی را در دیوان عبدالقادر بیدل دهلوی می یابیم، که به برجسته ترین مشخصه ی سبک وی تبدیل شده است. در شعر معاصر فارسی نیز تصویر های پارادوکسی ناب بسیار است. اخوان ثالث، پارادوکس های زیبایی در شعرش دارد. (همان).



تجلی اندیشه های سید حسن حسینی

سید حسن حسینی از شاعران انقلابی و صاحب سبک معاصر به شمار می رود. شعر او نمونه ی بارز شعر تپنده، پرشور و حرکت آفرین انقلاب اسلامی است. اشعار او بازتاب واقعی شخصیت، افکار دینی و میهنی اوست.

سید حسن حسینی از برجسته ترین شاعران انقلاب اسلامی است که بر مبنای آرمان های مقدس اسلامی و ملی خود، سروده های پر محتوا و نغزی را از خود به یادگار گذاشته است. این آرمان های پاک و مقدس با روح و جان وی عجین شده بود و در چند مجموعه شعری او مجال بروز یافت. دوره ی سرایش اشعار وی، دوره ای بود که آزادی بیان و اندیشه در جامعه ی نوپای ایران در پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مفهومی واقعی و عینی یافته بود.

اشعار سید حسن حسینی

۱- اجتماع دو امر متضاد:

*فریاد اعتراض خموشانه می کشیم/ در عرش، حال و حوصله ی جیغ و داد نیست (حسینی سید حسن، ۱۳۹۶: ۱۵) در این بیت شاعر عبارت فریاد اعتراض خموشانه می کشیم را آورده است و چگونه ممکن است فریاد را که پر از سر و صدا و ناهنجاری است خموشانه کشید پس شاعر یک تصویر پارادوکسی را در این بیت ایجاد کرده است و در واقع دو امر متضاد را با هم در یک جا جمع کرده است.

*ای نوچه های من / باید شکست و رست به نیروی خلق ها (همان: ۶۲۴).

شاعر شکستن و رویدن را که دو قطب مخالف هم هست را کنار هم آورده است چگونه ممکن است آدمی هم بتواند بشکند و هم بروید و شکست و رست ترکیب دو امر متضاد است.

*بین لاله هایی که در باغ ماست / خموش اند و فریادشان تا خداست (همان: ۶۱۴).

چگونه ممکن است خاموش و ساکت باشند ولی فریادشان تا خدا و به آن وسعت و بزرگی باشد و خموش و فریاد با هم ترکیب دو امر متضاد است.

*از پشت افراها آمدی / با آغوشی پر از تهی / پای مواجت (همان: ۳۸).

پر از تهی عبارت پارادوکسی که پر را در کنار تهی و خالی آورده است و غیرممکن است آغوشی هم زمان هم پر باشد هم خالی و جمع کردن دو امر متضاد با هم است.

*بهر تسکین ریش های درون / مستحب است واجبی خوردن (همان: ۲۳). در مصرع دوم شاعر یک عبارت پارادوکسی ایجاد کرده است چگونه ممکن است واجب خوردن مستحب هم باشد یعنی خوردن هم مستحب باشد هم واجب و دو امر متضاد را با هم جمع کرده است.

*آن شور شگفت از سر مستم رفت / پا داد چه دیر و زود از دستم رفت (همان: ۴۱).

چگونه ممکن است رفتن هم دیر باشد هم زود یعنی دقیقاً شاعر دو واژه ی متضاد را در یک عبارت آورده است.

*فارغ ز نبود و بود می خندیدی / چون شعله میان دود می خندیدی (همان: ۵۶). ز بود و نبود: نمی توان در یک زمان هم بود هم نبود و در واقع شاعر یک ترکیب متضاد ایجاد کرده است.



* مرا در غم شناور دیده ای ای غم/به اشکم بیش و کم خندیدی ای غم(همان:۶۱). بیش و کم: نمی شود به چیزی هم زمان هم کم خندید هم زیاد و بیش و کم اجتماع دو امر متضاد است.

* هوا هنوز هم زمستانی است/برف، کم و بیش مثل حرف می بارد/فصل چهارم چانه می زند با بهار(همان:۷۹). بازهم نمی توان باریدن برف را هم کم دانست هم زیاد یعنی در واقع شاعر با آوردن دو واژه کم و زیاد در کنار یکدیگر یک ترکیب پارادوکسی ایجاد کرده است.

* تبلیغات انتخاباتی/صبح ازل آغاز شد/انسان هم چنان متحیر/میان آخرت و دنیا(همان:۸۵). امکان ندارد انسان هم زمان میان دو جهان متفاوت باشد هم دنیا و هم آخرت و اجتماع دو امر متضاد یک ترکیب پارادوکسی در این بیت ایجاد کرده است.

* گر چشم ستاره وقف رهیابی بود/شاید شب ما روشن و مهتابی بود(همان:۵۶). شب نماد تاریکی است و شاعر واژه ی شب را در این بیت در کنار روشن و مهتابی که نماد نور هستند آورده است و دو امر متضاد را باهم جمع بسته است.

* فانوس خفت و به من گفت شب به خیر!(همان:۶۴۶). فانوس نماد روشنی و نورو زنده بودن است و خفتن نماد خاموشی و تاریکی و مردن و در واقع ترکیب دو امر متضاد باهم است.

* در معبر تاریخ چو کوهی بشکوه/صدبار شکسته ایم و پابر جاییم(همان:۶۹۵). چگونه ممکن است انسان صدبار بشکند و هنوز پابر جای باشد و شکست و پابر جای بودن ترکیب دو امر متضاد باهم است. * شفا می دهد آشکارا به دل/اشارات پنهانی چشم تو(همان:۶-۷). اشاره که همیشه واضح و آشکار است را با پنهان آورده است و یک عبارت پارادوکسی خلق کرده است و ترکیب دو امر متضاد باهم.

۲-متناقض نمایی به صورت مضاف و مضاف الیه:

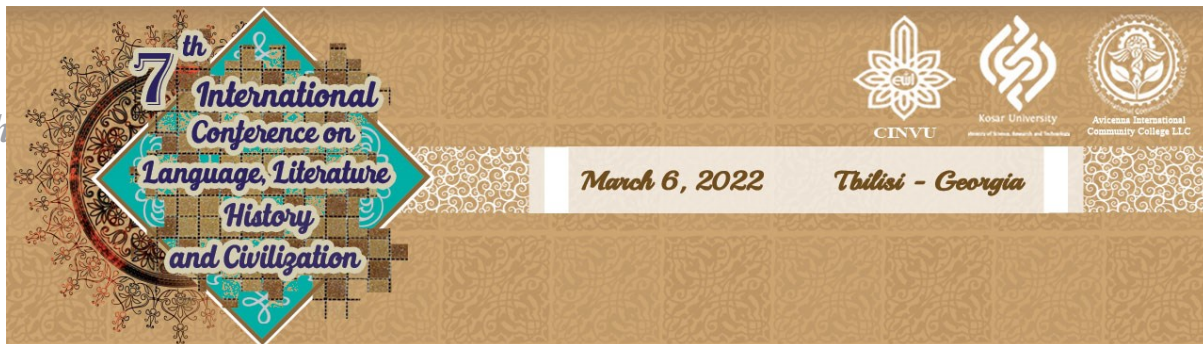
* دل پر از غم، کیسه خالی، فقر هم حیض الرجال/نیستم گر حیض، بی شک باز هم لک دیده ام(همان:۱۸). ترکیب کیسه خالی دارای پارادوکس است زیرا کیسه همیشه پر است و آوردن واژه خالی همراه آن یک عبارت پارادوکسی را خلق کرده است و ترکیب متناقض نما به صورت مضاف و مضاف الیه است.

* ای جفت جنون، یگانه در شیدایی/پیدای نهفته رخ به نا پیدایی(همان:۶۷۱). پیدای نهفته: چگونه می شود رخ هم پیدا باشد و هم نهفته و پنهان و در واقع پیدای نهفته به صورت ترکیب مضاف و مضاف الیهی آمده است.

* در راه تو گرد می توان گفت مرا/جمعیت فرد می توان گفت مرا(همان:۴۸). عبارت جمعیت فرد پارادوکس دارد زیرا جمعیت را زمانی بکار می برند که تعداد نفرات از یک نفر بیشتر باشد و فرد معمولاً یک نفر را مد نظر دارند و جمعیت فرد به صورت ترکیب مضاف و مضاف الیهی آمده است.



- * داروخانه ی شبانه روزی / خمیازه می کشد / تاریخم هنوز درد می کند (همان: ۶۴).
- شبانه روزی: شب و روز که کاملاً متفاوت و متضاد هستند را در کنار هم آورده است و ترکیب دو کلمه شبانه روزی به صورت مضاف و مضاف الیهی است.
- * هوا گرگ و میش / داروخانه ی شبانه روزی چرت می زند / شهر مدیون آرام بخش های موقت (همان: ۸۰).
- * قرن نامادر / کودکان تخشش را می خواباند / با قنداق تفنگ / در گهواره ی گور (همان: ۹۴).
- گهواره نماد زندگی و تولد است و گور نماد مردن و تمام شدن شاعر این دو مفهوم متفاوت را در یک عبارت کنار هم آورده است و ترکیب گهواره ی گور به صورت مضاف و مضاف الیهی است.
- * دیروزت اگر رو به قتل آوردیم / در پاسخ تو زبان لال آوردیم (همان: ۶۶۲).
- زبان نماد سخن گفتن است و لال نماد بی زبانی و سکوت و در این بیت زبان لال یک عبارت پارادوکسی است و ترکیب زبان لال به صورت مضاف و مضاف الیهی است.
- * از حسیض این اوج / تا بلندای سقوط (همان: ۶۵۵).
- بلندای سقوط: پارادوکس و ترکیب سازی به صورت مضاف و مضاف الیه است.
- * می رفت ز را همان برد ظلمت وهم / شد خون مطهرت چراغ شب ما (همان: ۶۶۱).
- چراغ شب ما: پارادوکس و ترکیب سازی به صورت مضاف و مضاف الیه است.
- * آن شمع خامشم که به شب های بی کسی / حتی هوای گریه ی نم نم نمی کنم (همان: ۵۹۳).
- شمع که نماد روشنی است را با خاموش بودن آورده است و یک عبارت پارادوکسی ساخته است و عبارت شمع خامشم به صورت مضاف و مضاف الیه به کار رفته است.
- * با ما جز اسرار بیداری نگفتند / بیدارمان کردند و خود در خاک خفتند (همان: ۶۱۱).
- اسرار که همیشه پنهان و مخفی است را با بیداری که آشکار است هم زمان آورده است و یک عبارت پارادوکسی ایجاد کرده است و ترکیب اسرار بیداری به صورت مضاف و مضاف الیه است.
- ۳- متناقض نمایی به صورت موصوف و صفت:
- * ای جفت جنون، یگانه در شیدایی / پیدای نهفته رخ به نا پیدایی (همان: ۶۷۱).
- پیدای نهفته: چگونگی می شود رخ هم پیدا باشد هم نهفته و پنهان و عبارت پیدای ناپیدا به صورت موصوف و صفت است.



نتیجه گیری:

پارادوکس یا متناقض نمایی یکی از انواع آرایه های ادبی است که در جهت زیبایی کلام به کار می رود. نکته ای که باید در نظر داشت این است که همواره بیان متناقض به همراه وجود لغات متضاد رقم نمی خورد؛ به بیانی دیگر، اگر در بیت یا متنی، دو یا چند لغت متضاد یافتیم، دلیلی بر وجود حتمی آرای پارادوکس نیست؛ ولی گاه آرایه متناقض نما، لغات متضاد را نیز به همراه خود می آورد. این آرایه اگرچه ساده به نظر می رسد ولی قطعاً شاعرانی که این آرایه استفاده کرده اند بسیار توانا هستند. کاربرد آرایه ی پارادوکس در اشعار شاعران نشان از اوج خلاقیت ذهنی آن ها در بازی از کلمات دارد و به طور کلی هر شاعری توانایی بکارگیری چنین خلاقیتی را ندارد. سید حسن حسینی از شاعران توانمند انقلاب اسلامی است که از این آرایه در اشعارش بسیار استفاده کرده است به طوریکه نه تنها پیوستگی و انسجام اشعارش را بهم نریخته بلکه باعث پیوستگی و جذابیت اشعارش شده است. پارادوکس به کار رفته در اشعار سید حسن حسینی بیشتر از نوع اجتماع دو امر متضاد در یک ترکیب و عبارت است. بکارگیری این آرایه در اشعار شاعر بسیار ماهرانه و با دقت صورت پذیرفته است و گاهی تشخیص آن نیازمند دقت می باشد.



منابع

- چناری، عبدالامیر، (۱۳۷۷)، متناقض نمایی در شعر فارسی، تهران، نشر فروزان، چاپ اول.
- فضیلت، محمود، (۱۳۸۴)، آرایه های بدیعی، کرمانشاه، صدف، چاپ اول.
- فتوحی، محمود، (۱۳۸۵)، بلاغت تصویر، تهران: سخن.
- فشارکی، محمد، (۱۳۸۷)، نقد بدیع، تهران: سمت.
- حسینی، سیدحسن، (۱۳۹۶)، مجموعه کامل شعر های سید حسن حسینی، تهران: کتاب آبی.